



۲۰۲۱/۱۲/۱۹



دوکتور محمد اکبر یوسفی

کیا افغانستان را به فاجعه سوق می دهند!

« جهان از جانب انسانهایی تهدید نمی شود که بد اند، بلکه از جانب کسانی تهدید می شوند که بد را اجازه می دهند. »
(البرت آینشتاین)

این شخص در پهلوی "دونالد ترامپ"، "زلمی خلیل زاد" است، بدون شک در جمع کسانی است، که با «بدها» سروکار داشته و از صلاحیت اجازه دادن به اجیران، برای انجام چنین اعمال برخوردار است. او در تسخیر افغانستان و در



Zalmay Khalilzad auf der Bühne mit Donald Trump im Wahlkampf 2016 © Chip Somodevilla/Getty Images
(زلمی خلیل زاد روس "کلیز" با "دونالد ترامپ" در جریان مجوزات انتخاباتی ۲۰۱۶)

انجام طرح های به آتش انداختن افغانستان نیز، سهم بزرگی داشته است. او بیش از چهل سال در وقایع افغانستان و غرب آسیا، دخیل بوده است. حال وقت آن رسیده است که جنایات و خیانات این شخص در خاک افغانستان، متوقف ساخته شود. «کافی کافی است!».

مطبوعات غربی او را نویسنده "سیناریوی" عملیاتی «سینتکوم» و متحدان آنها در سال

۲۰۰۱م، بعد از حوادث ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م، که به تاریخ ۷ اکتوبر همانسال از افغانستان آغاز یافته است، معرفی

نموده است، که «جورج دبلیو بوش» از او منصرف شده نمی توانسته است. نشریه "سایت آنلاین" آلمانی، با نشر این

تصویر به تاریخ ۱۹ اکتوبر ۲۰۲۱م نوشته است، که «پس از بی نظمی کامل و هرج و مرج در جریان خروج قطعات

نظامی ایالات متحده آمریکا» در میدان هوایی کابل و تسخیر کشور توسط طالبان، دیپلمات - افغانستان که «دونالد

ترامپ» او را مقرر، و بعد "جو بایدن"، رئیس جمهور "دموکرات" نیز، او را به ادامه کار، توظیف نموده است،

از **مقام خود استعفا داد.** در گزارش می خوانیم که: «**مراودات او با طالبان قبل از آن هم، با انتقادات روبرو شده**

است.» در تصویر فوق، با «دونالد ترامپ» در کمپاین انتخاباتی سال ۲۰۱۶م دیده می شود. این شخص در یک حلقه

محدود از "محافظه کاران با قدرت دست راستی در حزب جمهوری خواه آمریکا، که با تمایلات راسیستی" معروف

بوده اند، شامل است و در عین حال در صف کسانی قرار دارد که معتقد به حل نظامی معضلات منطقوی می باشند.

تعجب است، که این شخص بنابر کدام اهلیت، برای "پروسه صلح" توظیف شده است؟ داستان خیانت او به افغانستان



Zalmay Khalilzad on March 9 in Kabul in the presence of President Obama
(او زلمی خلیل زاد نماینده خاص ایالات متحده، به تاریخ ۹ مارچ ۲۰۲۱م، در مراسم تحلیف رئیس جمهور، همی، مصاحبه با "روزانه کولمبیا")

و در مجموع با انسان و انسانیت، نمی شود در یک مقاله، روشن شود. جای تعجب

است، که با وجود همه این رسوائی ها، و استعفا او از وظیفه سپرده شده که ناکامی

رسوا دیده است، دخالت های وسیع و حساس او در امور افغانستان، که این کشور را

در یک وضعیت تباہی روبرو ساخته است، باز هم ادامه دارد. وزیر خارجه "بلینکن"،

معاون او، "توماس ویست" را به جایش توظیف نموده است. تصویری را که می بینید، قریب شش روز بعد، یعنی به

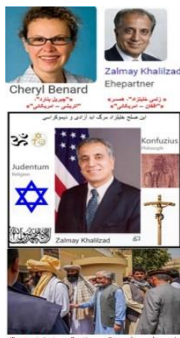
تأرخ ۱۵ مارچ ۲۰۲۰م، با متن مصاحبه "سوزانه کولبله"، نماینده "شپیگل" به زبان انگلیسی به چاپ رسیده است.

در همین روز، عضو دیگر "باند او"، "عبدالله عبدالله" که از سال ۲۰۰۱م، با او روابط نزدیک داشته است، در فاصله چند متر، هم چنان خودش را به حیث برنده انتخابات اعلان داشته و او هم، مراسم تحلیف خود را به حیث رئیس جمهور پشت سر گذاشته است. "سوزانه کولبله" در آنوقت با خط سرخ می نویسد: "مذاکرات صلح ایالات متحده با طالبان" همین لحظه خطرات را با خود دارد. اما این شخص باکی نداشته است. بعد ازین روز، روزها با "حاکمیت دوسره" در کابل مصروف بوده است. در عین حال اظهارات بی مفهومی را، در تحت عنوان اینکه گویا "حکومت همه شمول" باید از طریق "اجماع ملی" تدارک دیده شود. اما اینکه کی و چگونه تدارک ببیند، هیچ قدم برداشته نشده است. اطلاعات و انکشافات بعدی نشان داد، که اصلاً در هیچ لحظه طالبان حاضر نبوده اند، تا با دولت "غنی" دور میز مذاکره بنشینند و یا کسی را در حکومت آنها شریک سازند. مردم افغانستان در مجموع،



با حکومت طالب مشکل بزرگ نداشته اند. این فقط گروه های فاسد در حکومت دست نشانده بوده اند، که به خاطر حفظ قدرت، ضدیت داشته اند. کشوری که در حقیقت دو صد سال پادشاهی های مطلقه برقرار بوده اند و فقط مدت کوتاهی از موجودیت "پارلمان" و

آزادی های نیم بند اثری دیده شده است، از آغاز بحران اخیر ببعده، غیر از آن تا امروز هیچ وقت یک نظام با ثبات و دیموکراسی دیده نشده است، پس چرا این شخص برگشت "طالبان" را، با این شکل، سازمان داده است. با تأسف که کشور از نگاه ثبات سیاسی، باز با همان زمان تخلیه کابل توسط "ربانی - مسعود" شباهت دارد که به پنجشیر و فیض آباد فرار کرده اند و حال به هر بهانه که بوده است، چنین صحنه سازی شده است. همین "خلیلزاد" تحت شک است، که بازی مرموز خود را به پیش می برد. او بدون اینکه مشخصات کسانی را یاد کند که باید، طبق ادعای او، به تشکیل همچو "اجماع ملی"، بپردازد، در حقیقت هدف او همین نمونه ها بوده است، که یک زمان به مسکو سفر کرده اند. حال هم، همین جاسوس بوده است، که با دو همکار دیگر خود، "گلبدین حکمتیار" و "عبدالله عبدالله" در تحت نظارت مشهود "آی اس آی" این کشور را به همچو مصیبت ها مقابل ساخته اند. "سوزانه کولبله" در پرسش اول خود ازین "نماینده خاص دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده" می پرسد که "شما در فیروزی قبلی توافقی



را با طالبان به امضاء رسانیدید، دست آورد شما چه بوده است؟ «خلیلزاد: ما به اهداف متعدد قابل ملاحظه، برای ایالات متحده دست یافتیم. اول: طالبان متعهد شدند که آنها دیگر آماده نیستند که مانند سابق عمل کنند. این امر شامل قطع مناسبات با "القاعده" می باشد: که هیچ یک گروه تروریستی دیگر را هم پناه ندهند و حمایت نکنند، که خطری را برای ایالات متحده و متحدان آن، ایجاد کرده بتوانند، تشنج را تخفیف بخشند. و هم اینکه با یک تیم مذاکراتی ملی می نشینند، تا یک راه حل سیاسی را از طریق مذاکره برای کشور شان ترسیم کنند و بر یک آتش بس دوامدار به موافقت برسند.» اینکه این دست آوردهای او برای ایالات متحده از چه وزنه برخوردار بوده

است، باید مقامات و آگاهان امریکائی خود ارزیابی کنند. اما آنچه به افغانها ارتباط می گیرد، دروغها و فریبکاری های این شخص و باند اوست، که وطن ما را به این وضعیت غم انگیز و فاجعه بی مثال سوق داده است. در همین مصاحبه نماینده "شیپگل" موضوع فوق را یاد می کند، که از یک طرف قدم بعدی "مذاکرات صلح" بین حکومت رسمی افغانستان و طالبان مطرح است، اما کابل خود درگیر بحران سیاسی است، "دو کاندید" خود آنها را برنده اعلان کرده اند و دو مراسم تحلیف صورت گرفته است. در عین حال تذکر داده می شود؛ که این هر دو بر قوای امنیتی حریف در داخل کشور، نفوذ دارند. وقتی می پرسد، که تا چه اندازه خطر دارد؟ «خلیلزاد: خطرناک است...» بعد

حکایت از اعلان "کمیسیون انتخاباتی" می کند که «اشرف غنی» را برنده اعلان کرده است و "عبدالله عبدالله" نپذیرفته است... نقش او را در جریانات بعدی، مردم ما خود تعقیب نموده اند. آنچه غیر قابل قبول است، همانا دروغ های این شخص است که در طی هفته ها و ماه ها، اصطلاحات "حکومت همه شمول" و یا "فراگیر" و غیره را به زبان می آورده است، و "باند های" دور و پیش خود را هم چنان در داخل و خارج فعال، نگهداشته است، تلاش داشته است، تا "حکومتی" را تشکیل همد، که فقط کنترول در دست افراد معلوم الحال خود آنها باشد، که او خود، آنها را هم در مقام "کلانهای افغانستان" داده است. از دید این دو "رهبر"، "بوش" و "کرزی" که ممکن در آن تصویر و نتیجگیری، "زلمی خلیل زاد" نیز نقش داشته بوده باشد، در همان ۳۰ جنوری ۲۰۰۲ می گفته اند، که: «**حامی اساسی "القاعده"**، **طالبان، از هم فرو ریخته است. از هم پاشیدگی سریع آنها، نشان داد، که ریشه آنان حقیقتاً چقدر کم عمق بوده است.**» حال پس از بیست سال خود مقایسه کنید. نحوه خروج قوا را خود چنین بیان داشته است که: **"خروج قوای امریکا یک انجام بد بود."** متحدان غربی آنها هم چنان، عقبنشینی را از "هندوکش" خجالت آور و تحقیرآمیز خوانده اند. البته این نویسنده بر موقوف آنها کاری ندارد، اما با چنین خسارات جانی و مالی که بر مردم کشور ما، باعث شده است، این شخص باید به میز محاکمه بین المللی به جرم جنایت علیه بشریت، کشانیده شود. سیاستمداران زن و متخصصان از او انتقاد شدید بعمل آورده اند، که او را "یک مذاکره کننده خراب خوانده" اند، طالبان را روحیه داده، مدعی شده بود که گویا توافق به عمل خواهد آمد، تا تقسیم قدرت صورت گیرد. "حسین حقانی" از "فابریک تفکر در انستیتوت هدسون" در ماه آگست گفته است: **"در حالی که طالبان به هیچ صورت این نیت تقسیم قدرت را نداشته اند."** نقطه جالب دیگر اینست که یکی از نمایندگان "محافظه کار" ایالات متحده، یک عسکر سابق در افغانستان به نام "میشائیل والتس" (Michael Waltz)، نامه تحریری عنوانی رئیس جمهور "جو بایدن" فرستاده است و در آن متذکر شده است، که "نماینده خاص" به شما "مشوره غلط داده است." و هم چنان گفته است که ستراتیژی دیپلماتیکی او بطور "آشکارا شکست خورده است."

پایان....



برای مطالب دیگر دوکتور محمد اکبر یوسفی روی عکس کلیک کنید